

ارتوتون تانفت

محمد بهمنی

دیوار

۷

ش ۱۲۵



اما تفاوت‌ها

در نهضت تنباکو رهبری نهضت از ابتدا تا رسیدن به نتیجه نهایی بر عهده جریان اصیل دینی و مرجعیت بود. بر خلاف نهضت نفت که گروه‌های ملی مذهبی نیز با داعیه رهبری نهضت به میدان آمده بودند.

بر خلاف نهضت تنباکو، در نهضت نفت به دلیل تفاوت دل‌بستگی‌های دوسوی جریان مذهبی و ملی، پس از موفقیت نسبی قیام، جریان به اصطلاح ملی به جای حمایت و دفاع از نتایج قیام، به تعیین مرز و خود محوربینی در قیام روی آورد. با درخواست مصدق، برای اختیارات بیشتر از مجلس و مخالفت آیه الله کاشانی، مرجعیت دینی به حاشیه رانده شد.

در جریان تنباکو پس از پیروزی قیام، تدین و دینداری و پایبندی به دین شایع شد؛ اما در ماجرای نفت پس از پیروزی اولیه قیام، به دلیل اختلافات پیش آمده جریانان ضد دینی از جمله توده‌ای‌ها قدرت را به دست گرفتند.

برخلاف نهضت تنباکو که نتیجه نهایی قیام لغو قرارداد رژی و پیروزی کامل قیام بود؛ در ماجرای نفت اگر چه فروش یا به تعبیر درست‌تر، سرقت آشکار نفت ایران توسط انگلستان، اندکی تغییر کرد اما این تغییر بیش از آن که یک تغییر راه باشد، تغییر دزد بود. یعنی نقش انگیس کم‌تر و در عوض آمریکا به عنوان بازیگر تازه نفس حریف ایران در کش و قوس تصاحب نفت شد.

ماجرای نفت و آن‌چه در حاشیه و متن این ماجراها بر سر ملت‌ها و از جمله ملت ما آمده بسیار است. گاهی سرنوشتی به سیاهی نفت برای کشورهای دارنده نفت رقم زده است.

در ملی شدن صنعت نفت اگر چه به تمام آن‌چه شایسته و بایسته این نام بود دست نیافت؛ اما گامی در راه احیاء عزت از دست رفته بود.

تقارن وفات آیه الله کاشانی و وفات میرزای شیرازی صاحب فتوای تحریم تنباکو و ملی شدن صنعت نفت در آخرین روز زمستان، بهانه‌ای شد که به شباهت و تفاوت دو جریان نفت و توتون اندکی فکر کنم.

انقلاب ملی و مذهبی مردم ایران در زمان ناصرالدین شاه علیه قرارداد رژی و قیام مردم ایران علیه سال‌ها سلطه انگلیسی‌ها بر نفت ایران از جهاتی شبیه و البته از جهاتی نیز متفاوت است. شاید توجه به این شباهت‌ها و تفاوت‌ها بخشی از حافظه تاریخی ما را برگرداند.

شباهت‌ها

در هر دو نهضت سخن از منافع ملی و از دست رفتن سرمایه ملی بود. در هر دو نهضت قراردادی ظالمانه، سرمایه و عزت یک ملت را به تاراج برده است. در هر دو نهضت مسئولین بی‌کفایت دربار، دست تجاوز دشمن را گشوده است. در هر دو نهضت مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی است. در هر دو نهضت علما پیش‌گامان نهضت هستند. در هر دو نهضت، این زبان همه فهم و گیرای دین است که مردم را به صحنه کشانده است.

در هر دو جریان جلوگیری از تسلط اجانب بر سرزمین اسلامی مورد توجه است. در هر دو نهضت، دشمن خارجی، مبارزه با عامل بسیج‌کننده مردمی یعنی دین و روحانیت را در دستور کار قرار داده است.

در هر دو نهضت پیروزی انقلاب باعث تجلی روح دین‌داری در جامعه شد.